



سیدحسین موسوی

انتخاب فرمانده ارتش لبنان، جوزف عون به عنوان رئیس‌جمهور این کشور از سوی مجلس لبنان پس از دو سال بلاکلیفی به نظر می‌رسد بیش از آنکه ناشی از یک توافق داخلی در لبنان باشد، بخشی از توافق آتش‌بس میان لبنان و رژیم اسرائیل و تحت فشارهای بین‌المللی و منطقه‌ای باشد. به‌ویژه آنکه قبیل از رای‌گیری در پارلمان، کاندیدای مورد حمایت حزب‌الله، سلیمان فرنجیه از رقابت کناره‌گیری کرد. جوزف عون در دور نخست رای‌گیری با آرای سفید حزب‌الله و امل فرصت انتخاب نیافت تا نمایندگان شیعه نشان دهند کار بدون حضور آنان پیش نخواهد رفت و ظاهراً پس از توافقات پس‌برده‌ای در دور دوم رای‌گیری حزب‌الله و جنبش امل با رای به جوزف عون راه را برای رسیدن او بر مسند ریاست‌جمهوری لبنان باز کردند. در نحوه انتخاب نخست‌وزیر لبنان، نواف سلام ظاهراً امور به دلخواه حزب‌الله پیش نرفت و این قاضی بین‌المللی که در پرونده‌هایی با حزب‌الله درگیر بود، سرانجام قدرت اجرایی دولت را در لبنان به دست گرفت. البته او در نطق پیروزی خود دست خود را به سوی همه برای اصلاح امور و بازسازی لبنان دراز کرد و خواستار بازگشت به توافق طائف شد. با اینکه رئیس‌جمهور منتخب و نخست‌وزیر هر دو از دفع تجاوز اسرائیل به حاکمیت سرزمین لبنان سخن گفتند، اما اشاره‌ای به مقاومت نکردند. به نظر می‌رسد فصل جدیدی در لبنان آغاز شده و شناخت تحولات آینده این سرزمین در ارتباط با چگونگی برخورد جمهوری اسلامی ایران با شرایط جدید از اهمیت زیادی برخوردار است.

آتش‌بس میان حزب‌الله و رژیم صهیونیستی نقطه عطفی در تحولات سیاسی و ژئوپلیتیک خاورمیانه بود. پس از عملیات طوفان الاقصی به مثابه یک عملیات شگفتی‌ساز در ۷ اکتبر سال ۲۰۲۳ که ضربات دردناکی را به اسرائیل وارد کرد، به دلیل پاسخ‌های غیرمتعارف اسرائیل علیه مردم بی‌دفاع غزه و کشتار بی‌رحمانه زنان و کودکان، جوانان و پیران، حزب‌الله در موضع واکنش قرار گرفت. حزب‌الله با درک درست شرایط تلاش کرد جنگ کم‌شدت و فرسایشی را برای ایجاد توازن در مرزهای شمالی رژیم اسرائیل و دستیابی به یک آتش‌بس در غزه دنبال کند. چنین توازنی برقرار شد و بیش از یک سال به طول انجامید. مقاومت یمن و عراق نیز برای تحمیل یک آتش‌بس به اسرائیل در غزه تلاش‌های پیوسته‌ای را انجام دادند. جمهوری اسلامی نیز با وجود خوشترداری فراوان در ضرباتی که در سوریه و نیز اقدامات خرابکارانه اسرائیل در داخل کشور متحمل شد، در برابر سیاست هزار خنجر، هزار زخم اسرائیل سطح تنش را در چارچوب قواعد جنگ متوازن حفظ کرد. اما طرف اسرائیلی با اطمینان از حمایت همه‌جانبه و کورکورانه غرب و به ویژه آمریکا که شکست‌های پیاپی این رژیم را در صحنه نبرد پوشش می‌داد، همچنان با بهانه‌جویی‌های مختلف از پذیرش آتش‌بس در غزه خودداری کرد. تقریباً در همه صحنه‌های نبرد نظامی اسرائیل در وصول به اهداف خود شکست خورد و اقدامات جنایت‌بار نظامی این رژیم در پیروزی قاطع بر حماس و رهاسازی گروهان‌های اسرائیلی به اهداف خود نرسید. پس از شهادت اسماعیل هنیه در تهران جنگ محور مقاومت با اسرائیل وارد مرحله تازه‌ای شد. ناتوانی نسبی اسرائیل در رهگیری موشک‌ها و پهپادهای دوربرد ایران در وعده صادق ۲ و نیز اصابت موشک‌های فوق‌صوت یمن به تل‌آویو معادله جدیدی را در بازدارندگی پیشرفته و همه‌جانبه ایجاد کرد. تقریباً برای رژیم اسرائیل آشکار شد که در صحنه رویارویی نظامی علیه محور مقاومت کاری از پیش نخواهد برد، از این رو به سیاست تاریخی خود، مکر و خدعه روی آورد و با تغییر صحنه نبرد آنچه را برای نبرد نهایی با حزب‌الله آماده کرده بود، شتابزده به میدان آورد و در ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۴ در یک عملیات شگفتی‌ساز که گویا از مدت‌ها قبل برای آن تدارک دیده بود، بیش از سه هزار پیجر را در دست کادرهای اصلی حزب‌الله منفرج کرد که به شهادت تعدادی از اعضا و مجروح‌شدن بسیاری انجامید و پس از آن نیز تعدادی از بیسیم‌هایی را که حزب‌الله سال‌ها از آنها استفاده کرده بود، منفرج کرد. در ۱۹ سپتامبر رهبران نظامی و امنیتی حزب‌الله را در حومه جنوبی بیروت هدف قرار داد و سپس در ۲۷ سپتامبر دبیرکل این حزب را هدف قرار داد و پس از آن در سوم اکتبر جانین سیدحسن نصرالله، هاشم صافی‌الدین را به شهادت رساند.

شنبه ۲۹ دی ۱۴۰۳
۱۷ رجب ۱۴۴۶
۱۸ ژانویه ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۰۲۸
۵۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه شرق

خاطرات سال ۱۳۸۱
آیت‌الله هاشمی منتشر شد
همراه با روزنامه از روزنامه‌فروشی‌ها خواهید



آمریکار با تلاق

در «شرق» امروز می‌خوانید: یک دانشجوی تخصص پزشکی در گفت‌وگو با «شرق»: تأمین داروهای حیاتی در ایران مسئولان دغدغه‌مند می‌خواهد • دیوید لینچ، تأثیرگذارترین سینماگر جهان، در ۷۸ سالگی درگذشت

برگزیده‌ها

«شرق» از توافق آتش‌بس اسرائیل و حماس گزارشی می‌دهد

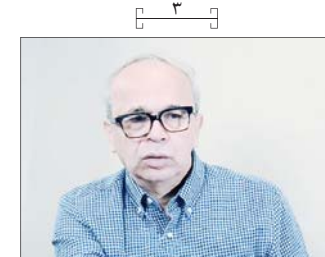
پایان ۱۵ ماه جنایت تل‌آویو؟

گزارشی از حق نادیده کودکان در کیفیت بایین سیستم آموزشی کشور

چرخه فقر و تضعیف آموزش

واکاوی مواضع نامزد وزارت امور خارجه دولت جدید ترامپ در قبال ایران

پالس روبیوبرای مذاکرات ایران و آمریکا



درخواست انجمن صنفی از رئیس‌جمهور برای تسهیل بازگشت به وطن

خودکشی داور نبوی در غربت

با یادداشتی از عباس آخوندی

۱۲

یادداشت

در سوگ همکار دیرین سیدابراهیم نبوی (داور)



عباس آخوندی

در نشیمن نشسته بودیم که خانم گفت: داور خودکشی کرده است. گفتم: از کجا می‌گویی؟ گفت: همه‌جا پخش شده است. بهتم زد. ناباورانه به شبکه‌های اجتماعی مراجعه کردم و دریافتم که دختران خویش پایان زندگی او را اعلام کرده‌اند. مدتی می‌خوابم و سپس به خانم گفتم: این پایان زندگی با توجه به روح و روان ناآرام او در خارج از کشور باورکردنی است. او یاری ادامه زندگی را نداشت. سال ۱۳۶۱ بود که از داور و تعداد دیگری از دانشجویان دانشگاه شیراز خواستم که برای نوسازی حوزه معاونت سیاسی و اجتماعی وزارت کشور به جمع ما جوانان انقلابی که عمدتاً از جهاد سازندگی به وزارت کشور رفته بودیم بپیوندند. او هم آمد و فکر کنم که مسئولیت اداره دوم سیاسی را در اداره کل سیاسی وزارت کشور بر عهده گرفت. آن زمان‌ها مجاهدین (منافقین) روزانه تنها در تهران تا ۴۵ نفر را ترور می‌کردند. تمرکز داور بر تحلیل رفتار سیاسی این گروه و سایر گروه‌های تروریستی بود. او برخلاف ظاهرش، فردی پرکار و پرمطالعه بود. صدها صفحه گزارش از او در آرشیو وزارت کشور به یاد مانده است. یکسره مطلب می‌خواند و می‌نوشت و گزارش تهیه می‌کرد. اما مقید به هیچ نظم اداری نبود، روحی سرکش و طغیانگر داشت. دوست داشت که همواره در جمع باشد و با جمع کار کند. گاهی بخواند و گاهی بنویسد و گاهی با دوستان جوک بگوید. اساساً ساختار معاونت سیاسی طوری بود که همه مقدم و قهوره بودیم و روابط اداری هم چندان حاکم نبود. اغلب هفته‌ها رفت‌وآمدهای خانوادگی شایه داشتیم. هنوز شامی را که در خانه داور پس از به‌دنیا آمدن دومین دخترش مسمی بادمجان خوردیم یادم نمی‌رود. داور به خاطر انقلاب از خانواده پدری‌اش تقریباً جدا شده بود. هرچند در خانواده‌ای مرفه به دنیا آمده بود، در وضعیت تنگانی مالی صحنه‌ای از زندگی می‌کرد و همه چیز را به جان خریده بود.

تهران و سیاست خارجی چندبرداری

موافقت‌نامه همکاری‌های جامع با روسیه به مثابه یک بلوغ دیپلماتیک و دربرگیرنده سیاست خارجی چندبرداری است



این گزارش را در صفحه ۳ بخوانید. عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری

یادداشت

هدیه‌ای که مرده شور کم داشت!



غلامرضا زابلند تحلیلگر

چنگ‌انداختن به حقوق مردم و به‌یغما بردن آن است. صداوسیما شیور را از سرگشادش می‌زند و به جای آنکه به مأموریت ذاتی خود روی آورد و کلان‌بودجه تخصیصی همراه با کلان‌درآمدهای عملیاتی خود را در راه انجام آن صرف کند. توجه و اهتمام به حواشی را سرلوحه کار خود قرار داده و به این ترتیب موجب تولید دردسرهای گوناگون از جمله همین درافتادن با سنت و عادات اجتماعی و فرهنگی مردم شده است. افزون بر این، وقتی سیمای ملی به اهدای محصولات خاصی به میهمانان خود روی می‌آورد، این شبیهه را ایجاد می‌کند که بکنند به ورطه کاسب‌کاری افتاده است. صداوسیما باید بداند که خود و میهمانش کارهای ناتمام زیادی دارند و بدهی انباشته زیادی هم بابت عدول از هنجارها در حساب دیون خود به ثبت رسانده‌اند. از جمله این دیون، ازبیر بردن مرجعیت رسانه‌ای صداوسیما است که شوربخانه به خارج منتقل شده و در بد شبکه‌های دریپتی و ضدایرانی قرار گرفته است. صداوسیما باید اعتماد از دست‌رفته عمومی را بازگرداند و مرجعیت خود را احیا کند و کار تولید محصولات متنوع و باکیفیت فرهنگی را از سر گیرد. بدیهی است که برای تحقق این امور باید از مدیران، برنامه‌ریزان، کارشناسان و میهمانان در تراز ملی بهره گرفت و از خط و جناح بازی‌های فرقه‌ای دست شست و به این ترتیب روسفید شد.

یادداشت

سوار کدام قطار شده‌ایم؟



مهررداد احمدی شیخانی

دلایل این است که وقتی سوار بر قطار هستیم، برخلاف مسافرت با وسایل نقلیه دیگر، آزادی عمل بیشتری داریم و در طول سفر می‌توانیم در راهروی واگن‌ها حرکت کنیم و جابه‌جا شویم و مثلاً قطار در حال حرکت به سمت شمال است ولی ما در راهروها به سمت جنوب قدم می‌زنیم و نکته همین‌جاست که ما اگر تمام مسیر سفر را هم در قطار به سمت جنوب برویم، باز هم عملاً قطار ما را به سمت شمال می‌برد و تنها راهی که می‌توانیم به جنوب برسیم، این است که قطارمان را عوض کنیم و سوار قطاری شویم که به جنوب می‌رود، ولی آنجا هم اگر ناگهان تصمیم بگیریم که جهت‌مان را تغییر دهیم، باز به همان جایی می‌رویم که قطار دومی می‌رود. به گمان من جهان هم مثل سفر با قطار است. ما در جهان زندگی می‌کنیم ولی هرچه هم که بخواهیم خلاف کلیت آنچه در جهان می‌گذرد عمل کنیم، باز هم در همین جهان قرار داریم. جهان یک کلتی دارد، با چندین قطار و یک نظمی (حالا بعضی بگویند بی‌نظمی) حاکم بر آن. مثل نظم بین قطارهایی که در ترددند و اگر آن نظم را رعایت نکنند، قطارها با هم تصادف می‌کنند. ممکن است ما مسیر یک قطار را نپسندیم و در درون آن برخلاف جهت برویم، ولی قطار، ما را به همان سویی که می‌خواهد، می‌برد. می‌توانیم از یک قطار پیاده شویم و به قطار دیگری سوار شویم، ولی باز سوار یک قطاریم و او ما را به سمت مقصد خود می‌برد. یا حتی ممکن است بگوییم نخیر، ما می‌خواهیم قطار خودمان را داشته باشیم و هر جا خودمان می‌خواهیم و با سرعتی که خودمان دوست داریم، بزنیم. آن وقت است که دردرس شروع می‌شود. برنامه قطارها به هم می‌خورد و طبیعتاً اجازه حرکت به قطار ما داده نمی‌شود و مانع حرکت قطارمان می‌شوند و ایستگاه‌مان متروک می‌شود و از کل برنامه حرکت قطارها خارج می‌شویم. ممکن است این را نپذیریم و بگوییم ما قطار خودمان را داریم، ولی نتیجه‌اش این است که از سیستم ریلی جهانی حذف می‌شویم. همه قطارها به درست یا به غلط به سوی مقصدی می‌روند و ما می‌مانیم و ایستگاه متروک خودمان. همه خطوط ریلی از دوروبرمان می‌گذرد و کسی از ایستگاه ما رد نمی‌شود و نه قطاری به ایستگاه‌مان می‌آید و نه قطاری از ایستگاه‌مان خواهد گذشت و نه مسافری در آن سوار و پیاده می‌شود.